

عروس طالقان

(گلینک)

سید عباس میرحسینی

www.ketab.ir



انتشارات آشیان

سرشناسه	:	میرحسینی، سیدعباس، ۱۳۳۹-
عنوان و نام پدیدآور	:	عروس طالقان (گلینک) / سیدعباس میرحسینی.
مشخصات نشر	:	تهران: آشیان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۴۲۴ص: مصور(رنگی).
شابک	:	978-600-7293-63-8
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	گلینک -- اداب و رسوم و زندگی اجتماعی Glinak -- Social life and customs
موضوع	:	روستاها -- ایران -- طالقان Villages -- Iran -- Taleqan
موضوع	:	گلینک (Iran) Glinak (Iran)
رده بندی کنگره	:	۲۱۱۷DSR
رده بندی دیویی	:	۹۵۵/۱۲۵۵۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۵۳۱۷۴۳

www.ketab.ir

انتشارات آشیان

عروس طالقان

سیدعباس میرحسینی

صفحه‌آرایی: ابراهیم توکلی

طراحی جلد: سید محدثه میرحسینی

چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

مرکز فروش: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، کوچه فاتحی داریان، پلاک ۵، طبقه اول

تلفن: ۶۶۹۷۲۷۹۲ ۰۹۱۲۱۳۹۹۶۲۵

Ashian2002@yahoo.com

ISBN: 978-600-7293-63-8

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۳-۶۳-۸

تمامی حقوق این اثر محفوظ می‌باشد. تکثیر یا تولید مجدد آن به صورت کلی و جزئی و به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و نشر الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

۹	پیش درآمد.....
۱۷	جامعه‌شناسی روستایی.....
۲۶	کلینک.....
۵۸	مشاغل و حِرَف.....
۱۳۲	نام گذاری محله‌ها و مزارع.....
۱۵۷	خیر همگانی.....
۱۶۹	رسم همیاری (علیجاری).....
۱۸۲	مثل‌ها و مثل‌ها.....
۲۱۶	ترکیبات کنایی.....
۲۲۸	زمستان.....
۲۳۴	استقبال فصل بهار.....
۲۴۹	سیزده بدر و فستیوال انتخاب همسر (تاب خوران).....
۲۵۳	خاکسپاری.....
۲۵۷	جشن مردگان.....
۲۶۳	زنان مرد سالار.....
۲۷۴	رمزگشایی مراسم سینه زنی سنتی (هلنگو).....
۲۸۱	ازدواج‌های بی‌آلایش.....
۲۸۸	اینه اونه نی.....
۲۹۹	زن ده زمین بن ده.....

۳۰۶	شوخی‌ها در عروسی
۳۱۱	قرار نامزدی
۳۲۲	نامزد بازی
۳۲۷	شوخی‌های شب عروسی (میخ طویل)
۳۳۵	اندر حکایت دل‌داده
۳۳۹	قصه تلخ روستا
۳۴۸	انبارگاه و سرگذشت خروس فضول
۳۵۲	آبیاری و داستان چراغ فانوس
۳۵۹	کروچ اقتصادی و سرگذشت کشتی لوچوی استاد غلام
۳۶۸	حسن بنده
۳۷۲	گویش محلی (شعر و نثر)
۳۹۱	نوستالوژی خانه‌ی پدری

پیش درآمد

مستانه می نویسم و مردانه می برم راز دو چشم مست و بار فراق دوست
روز از فراق خسته و شب با خیال مست این گونه سر کنم ز پی اشتیاق دوست

دل بستگی همراه با احساس وظیفه، تعلق خاطر و تعهد وافر به زاد بوم نه تنها یک امر انسانی است؛ بلکه حیوانات نیز نسبت به زادگاه و کُنّام و کلونی خود تعصب دارند و از آن در برابر هر نیروی مخرب بیرونی جانانه نگهداری می کنند.

بی شک همگان این شعر زیبای زندیاد دهخدا این بزرگ مرد ساحت ادب و فرهنگ را در خاطر دارند، آنجا که می فرمود:

هنوزم ز خردی به خاطر دَرست که در لانه ی ماکیان، برده دست
به منقارم آن سان به سختی گزید که اشکم چو خون از رگ آن دم، جهید
پدر، خنده بر گریه ام زد که هان! وطن دوستی آموز از ماکیان؟

دهخدا

پیامد نگاه حسرت آمیز به گذشته و تجمیع و تداعی همه ی خاطرات و هیجان ها و خوشی ها، قصه های تلخ و شیرین آن انسان را به جایی که این همه خوبی از آن نشأت گرفته می شود، می برد.

نوستالوژی (واژه ی فرانسوی Nostalgie)، خاطره انگیز، یادمان یا دریغ پنداشت، یک احساس غم انگیز همراه با شادی به اشیاء، اشخاص و

موقعیت‌های گذشته است. انسان‌ها هر کدام دنیای دلخواه خود را دارند که با هم متفاوتند، به عبارتی هیچ دنیای دل‌خواهی با دنیای دل‌خواه دیگری منطبق و تساوی از نسبت‌های کلی نیست.

به دلایلی مطلوبیت‌ها در طول زمان به ناخودآگاه تبدیل می‌گردد و از حیطه خودآگاه خارج می‌شود که مهمترین آن‌ها داشتن خاطرات زیستی و فرهنگی و آیینی است که در گذر زمان شمایی از آن در ذهن باقی مانده و تا با نمودی از طریق نمادهای فرهنگی، بومی، تاریخی بیدار می‌شود و این تداعی و بازآفرینی مایه خشنودی و رضایتمندی به همراه دارد. انسان در دایره دل‌خواه خود سه گزینه بیشتر ندارد. اشیاء مطلوب، افراد مطلوب، افکار مطلوب.

اشیاء شامل همه تجسمات حسی و زیستی و تجربی است و همه چیزهایی که در پیرامون ماست که ما را در بستر دو رود زمان و مکان به تعبیر هایدگر از آن خود شونده قرار می‌دهد.

این مکان و زمان در نفس خود محتوایی به همراه دارد که همیشه در حال به روز شدن است و گاهی اتفاق می‌افتد این به روز شدن متوقف می‌شود ولی مطلوبیت همچنان باقی است، این جاست که حس نوستالوژیک در انسان شکل می‌گیرد.

به تعبیری «جویبار زندگی جاری است» در این رهگذر به تناسب نیاز و تعلق خاطر مجموعه اشیاء دلخواه پیرامونی در حال تغییر و تبدل و نوشده است.

هر انسانی در تلاش است بر دامنه دایره‌ی دلخواه خود دو کار را انجام دهد یکی آن که بکوشد که بر تعداد آن بیفزاید و دیگر آن که بر کیفیت و بهینه سازی آن تلاش کند.

وسایل و ابزار و دستمایه‌های طبیعی و پیرامونی همان اشیاء مطلوب به حساب می‌آیند که همواره در حال به روز شدن هستند این کار با جایگزینی نوع برتر و با ارزشتر صورت می‌گیرد و دورمانده‌ها از مجموعه دلخواه بیرون

انداخته و واپس رانده می‌شوند، جالب آن که گاهی این دل‌بستگی به اندازه‌ای استوار می‌گردد که زمان هم در ناکارآمدی آن هیچ تأثیری ندارد و مکان سکنی گزیده از این قسم است.

در این جستار ما تنها به فراخور محتوا در محدوده اشیاء مطلوب سخن گفتیم و دامنه افراد و افکار مطلوب پس عمیق‌تر و جذاب‌تر است که در این جستار مجال گفتار از آن نیست.

مولانا در فرازی می‌فرماید:

هر نفس نو می‌شود دنیا و ما بی‌خبر از نوشدن اندر بقا
عمر همچون جوی نو نو می‌رسد مستمری می‌نماید در جسد

تنها زمان است که از دسترس انسان خارج است و انسان توانایی آن را ندارد که آن زمان را به فراخور نیاز و نفع خویش تغییر دهد و عقب یا جلو بیندازد در واقع زمان مثل رودی جاری است و ما در بستر این رود قرار داریم. از دیرباز انسان کوشیده است تا از مرکز کرانگی زمان بگذرد و به پهنه بیکرانگی دیرینگی پای نهد. ولی این تنها به عنوان یک آرزو باقی مانده است. ولی مکان این قابلیت را داراست و می‌توان مکان زندگی و اشیاء را تغییر داد و آن‌ها را مطابق میل خود در دسترس قرار داد. ریشه تقدس خاک زادگاه بر می‌گردد به بالندگی در مکانی که از خاکش تمامیت وجود انسان رشد کرده است در واقع یک کشش و یک گرایش فطری است.

انسان به قول حکما مدنی بالطبع و موجودی فراگیر و هم گراست نوع زندگی او اساساً اجتماعی است به همین منظور و بر قاعده حب ذات در تشخیص دوست و دشمن مختار و آزاد است و کسانی را در دایره دنیای دلخواه قرار می‌دهد که کمی از نیازهای روحی و مادی او را مرتفع کند. به روز کردن این مقوله به لحاظ تعلقات عاطفی کندتر و دیرتر از اشیاء مطلوب صورت می‌گیرد.